

پارادایم‌های تبشیر و راهبردهای جدید تبشیری / نشست علمی*

احمدرضا مفتاح**

اشاره

آنچه پیش‌روی دارید گفتگویی است که با جناب آقای دکتر احمدرضا مفتاح با موضوع «پارادایم‌های تبشیر و راهبردهای جدید تبشیری» انجام گرفته است؛ در این نشست علمی به مباحثی چون فعالیت‌های مبشرین مسیحی در جهان اسلام، پارادایم‌های در حوزه تبشیر و انواع آن و نیز در ادامه به برخی از راهبردهای جدید تبشیری اشاره شده است.

مجله پاسخ: پیش از اینکه فعالیت‌های مبشرین مسیحی طرفداران بیشتری پیدا کند و منجر به تضعیف باورهای دینی و تغییر دین پیروان مذاهب دیگر گردد، ما وظیفه خودمان می‌دانیم که در مورد فعالیت‌های تبشیری روشنگری داشته باشیم که چه اتفاقی رخ می‌دهد، به خصوص که فعالیت‌های تبشیری عمدتاً در جهان اسلام رخ می‌دهد؛ بنابراین ما نمی‌توانیم نسبت به آن بی‌طرف باشیم؛ زیرا دغدغه‌های دینی ما اجازه نمی‌دهد که برخی فعالیت‌های تبشیری منجر به تضعیف باورهای دینی شود؛ حضرت استاد لطفاً توضیح مختصری درباره پارادایم‌های تبشیری و راهبردهای جدید تبشیر اشاره بفرمایید؟

*. این نشست در تاریخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۴ در مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) با همکاری دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشکده بین‌المللی عروة‌الوثقی (گروه مطالعات تطبیقی ادیان) برگزار شده است و دبیر علمی آن جناب آقای رضا کاظمی‌راد بودند.

** . دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب: meftah555@gmail.com

♦ عنوان «پارادایم‌های تبشیری» از شخصی به نام «دیوید بوش» گرفته شده است. دیوید بوش در این زمینه کتابی تحت عنوان (transforming mission paradigm shift in theology of mission) دارد؛ یعنی تغییرات پارادایمی در الهیات تبشیر؛ در حقیقت این اصطلاح «پارادایم‌های تبشیری» از این کتاب که یکی از مهم‌ترین کتاب‌های میسیولوژی (Missiology) است گرفته شده است.

خود دیوید بوش هم عنوان «پارادایم» را از «هانس کونگ» گرفته است و هانس کونگ این عنوان را از «توماس کوهن» گرفته است، چون مبدع واژه پارادایم «توماس کوهن» است که در مباحث علوم طبیعی و در بحث تاریخ علم از این واژه استفاده کرده است، وی می‌گوید ما وقتی به تاریخ علم مراجعه می‌کنیم با پارادایم‌های مختلف روبرو هستیم، فرض کنید وقتی علم نجوم به یک مرحله‌ای می‌رسد که بعد از دیدگاه «کپلر»، «کوپرنیک» و «گالیله» آن هیئت بطلمیوسی را کنار می‌گذارد این یک پارادایم می‌شود یا در فیزیک و علوم دیگر چنین پارادایمی ایجاد می‌گردد. هانس کونگ می‌گوید همان‌طور که در علوم طبیعی و در تاریخ علم ما پارادایم داریم، در الهیات هم می‌توانیم حرف از پارادایم بزنیم؛ به همین خاطر در کتاب «Christianity» یعنی مسیحیت از شش پارادایم نام می‌برد و دیوید بوش همان پارادایم‌هایی را که هانس کونگ استفاده کرده است به کار می‌برد و می‌گوید ما با شش پارادایم در حوزه تبشیر روبرو هستیم و همان‌طور که در ادامه در مورد میسیولوژی یا علم تبشیر سخن به میان خواهد آمد اصلاً یک بخش میسیولوژی، تاریخ است و بیان خواهد شد که میسیولوژی چهار زیرشاخه دارد که یکی از آنها تاریخ است و دیوید بوش صرف‌نظر از اینکه گزارشی از تاریخ تبشیر ارائه دهد به خاطر این سراغ پارادایم می‌رود که در مباحث میسیولوژی خودشان می‌خواهد آسیب‌شناسی کنند که در دوره‌های مختلف تبشیر به چه صورت رخ داده است و چه آسیب‌های احتمالی داشته است.

معمولاً در نشست‌ها خیلی حوصله‌ای برای مباحث تاریخی نیست؛ از این‌رو بر پارادایم در دوره مدرن و پست‌مدرن متمرکز می‌شویم؛ اما قبل از آن لازم است به نظر دیوید بوش به مراحل پارادایم‌ها اشاره شود:



۱. پارادایم مسیحیت اولیه

منظور از «پارادایم مسیحیت اولیه» همان فعالیت رسولان یا حواریون است که بر اساس آن چیزی که در مسیحیت ادعا می‌شود حضرت عیسی علیه السلام به آنها مأموریت داده است، بر عهده داشتند؛ از این‌رو مسیحیان تبشیر را به استناد به سخنان حضرت عیسی علیه السلام یک وظیفه دینی خود می‌دانند.

تبشیر در مسیحیت اولیه در وهله اول بر عهده دوازده حواری و پس از آن بر عهده شاگردان خاص حضرت عیسی علیه السلام بوده است. واژه «apostles» یعنی حواریون یا رسولان به معنای عام شامل حواریون و شاگردان هم می‌شود؛ چنان‌که در یک جایی گفته شده که حضرت مسیح علیه السلام یک گروه پنجاه‌ویک نفری را مأمور تبلیغ می‌کند. به هر حال مصداق بارز تبشیر در مسیحیت اولیه صرف‌نظر از حواریون بیشتر به پولس مربوط می‌شود.

۲. پارادایم کلیسای شرق

مرحله دوم پارادایم تبشیر کلیسای شرق است که هانس کونگ از تعبیر یونان و رم استفاده می‌کند؛ اما دیوید بوش به خاطر اینکه از قرن چهارم به بعد در مرکزیت قسطنطنیه، همان امپراتوری بیزانس بحث مسیحیت دنبال می‌شود، آن را تغییر داده و با تعبیر کلیسای شرق از آن اسم برده است.

۳. پارادایم کاتولیک

مرحله سوم پارادایم تبشیر، تبشیر کاتولیک رومی در قرون وسطی است. بیشترین توسعه و رشد مسیحیت در دوره قرون وسطی اتفاق افتاده است؛ یعنی مسیحیت در هزاره نخست بیشتر در اروپای امروزی در زمان شارلمانی رشد بیشتری پیدا می‌کند.

مهم‌ترین اتفاقی که در دوره قرون وسطی می‌افتد یکی تعامل کلیسا با پادشاهان است و نکته دیگر استفاده از جریان‌های ژهبانی است؛ یعنی راهبان نقش مؤثری در تبشیر مسیحیت ایفا می‌کنند.

توجه به این مطلب هم لازم است که اگرچه ما با تبشیر مسیحی در جهان اسلام مشکل

داریم؛ اما در سده‌های نخست، تبشیر مسیحی موفق شد که ادیان شرک‌آمیز یونان و رم را از بین ببرد و توسعه مسیحیت به نحوی به رشد خداواری انجامید.

۴. پارادایم نهضت اصلاح دینی

در درجه نخست کلیسای کاتولیک است که فعالیت تبشیری را دنبال می‌کند؛ اما بعد از قرن شانزدهم و بعد از اینکه نهضت اصلاح دینی به تثبیت می‌رسد، پروتستان‌ها هم اقدام به تبشیر می‌کنند؛ پس در وهله اول کاتولیک‌ها پرچم‌دار تبشیر هستند و در وهله بعد نوبت به پروتستان‌ها می‌رسد که به‌عنوان نمونه مثلاً انگلیکن‌ها در ایران فعالیت تبشیری زیادی داشتند.

۵ و ۶. پارادایم دوره مدرنیته و پست‌مدرن

تعبیر مدرنیته ممکن است تعاریف مختلفی داشته باشد، ولی به لحاظ تاریخی غالباً به قرن هجدهم اطلاق می‌شود که بیشتر آن را به فلسفه کانت ربط می‌دهند؛ اما پست‌مدرن را نمی‌توانیم به‌عنوان یک دوره تاریخی تلقی کنیم؛ زیرا پست‌مدرن بیشتر یک تغییر رویکرد است و در واقع دوره‌ای است که نسبت به مبنای عقلانیتی و عقلانیتی که در دوره مدرنیته است، واکنش نشان می‌دهد؛ بنابراین این‌طور نیست که فکر کنیم الآن دوره مدرنیته گذشته است و در دوره پست‌مدرن هستیم؛ بلکه گاهی دوره مدرنیته و پست‌مدرن باهم دیده می‌شوند. در پارادایم‌های الهیات یک سری اصول حاکم بر آنها تغییر می‌کند و مثل پارادایم در حوزه علوم نیست؛ زیرا در حوزه علوم وقتی یک پارادایم جدید رخ می‌دهد پارادایم قبلی کنار گذاشته می‌شود؛ اما در الهیات خیلی نمی‌توانیم یک خط‌کشی داشته باشیم که فکر کنیم پارادایم قبلی کنار گذاشته شده است و خود این تقسیم‌بندی که هانس کونگ می‌آورد بخش زیادی از آن شاید به عملکرد کلیسا برگردد.

مجله پاسخ: در اینجا به این مطلب پرداخته می‌شود که در دوره معاصر که از یک

جهت دوره مدرن است و از یک جهت دوره پست‌مدرن است، چه اتفاقی افتاده است؟

♦ برای این منظور به بحث تبشیر ورود نمی‌شود؛ بلکه بحث، بیشتر بر پارادایم جدید و

مسیئولوژی متمرکز می‌گردد.

در گذشته تبشیر به شیوه‌های سنتی انجام می‌گرفت هرچند این شیوه کاملاً کنار گذاشته نشده است. مهم‌ترین نکته‌ای که می‌توان درباره استراتژی‌های سنتی اشاره کرد این است که در گذشته چون مبشران نوعاً مبشران اروپایی بودند و کشورهای غربی خودشان را دارای فرهنگ برتر می‌دانستند، اینها به نوعی از یک جهت با کشورهای استثمارگر تعامل برقرار می‌کردند؛ مثلاً در کشورهای آمریکای لاتین مبشران با کسانی اسپانیایی‌های که آنجا را تصرف کردند همدست و همراه شدند و به بهانه استعمار و آبادانی این کشورها را تصرف و سپس استثمار می‌کردند.

این کشورها با اهداف سیاسی و اقتصادی خودشان پیوندی هم با مبشران مسیحی برقرار نموده و دین جدید را نیز به آنها عرضه می‌کردند. در کتاب «شرح مسیحیت در آمریکای لاتین» اثر محسن مجتهدزاده به این مطلب اشاره شده است.

در دوره‌های گذشته با توجه به اینکه مبشران نوعاً اروپایی بودند و خودشان را دارای فرهنگ برتر می‌دانستند، برای اینکه بخواهند مسیحیت را عرضه کنند در قدم اول سعی می‌کردند فرهنگ جامعه هدف را تغییر بدهند، چون جوامع با داشتن انسجام فرهنگی و سنتی در برابر تبشیر مقاومت می‌کردند.

این فرهنگ سنتی ممکن است در جامعه اسلامی، مثلاً حجابی که در زمان قاجار وجود داشته است امروزه حتی خود جامعه ایرانی هم آن را برمی‌تابد. در جامعه‌ای که چنین فرهنگی منسجمی وجود داشته باشد و به‌خصوص اگر دغدغه‌های دینی هم داشته باشند، یک فرهنگ بیگانه نمی‌تواند در آنجا تغییر کیش ایجاد کند. به‌رحال با وجود یک فرهنگ منسجم و محکم چه در جامعه اسلامی و چه در هندی و سایر جوامع، راهی نفوذ برای تبشیر نیست. به همین دلیل در دوره‌های گذشته، نخست سعی می‌کردند فرهنگ آنها را تغییر بدهند، وقتی فرهنگ تغییر کرد و انسجام اجتماعی دچار مشکل شد راه برای آنها باز می‌شود.

نمونه آن مسئله حجاب در کشور ایران هم در گذشته و هم زمان حال است که در گذشته با ورود زبان فرانسه متزلزل گردید و امروز هم فرهنگ حجاب در کشورهای اسلامی به‌خصوص ایران از سوی دشمنان هدف قرار گرفته تا با از بین رفتن انسجام فرهنگ حجاب، راه نفوذ تبشیر فراهم شود.

در یک مقطعی از این راه وارد می‌شدند و گویا کشورهای دیگر و به اصطلاح آنان کشورهای جهان سوم نیز این را پذیرفته بودند؛ اما زمانی که یک بیداری و استقلال‌طلبی در این کشورها رخ می‌دهد، به خصوص وقتی که جنگ جهانی اول و دوم واقع می‌شوند، خوشبینی که در جهان سوم نسبت به آنان محقق شده بود یک‌دفعه فرومی‌ریزد و هیمنه و برتری فرهنگ غرب به چالش کشیده می‌شود؛ به خصوص وقتی کشورهایی که تحت سلطه استعمار بودند، گویا تازه از خواب بیدار شده باشند در برابر آنان گارد می‌گیرند و به تغییر فرهنگی، واکنش نشان می‌دهند. این واکنش سدی می‌شد در برابر جریان‌های تبشیری که در کشورهای اسلامی چندان موفق نبودند.

با پدید آمدن این تحول وقتی که به بن‌بست می‌رسند نیازمند یک نوع بازخوانی و نقد فعالیت‌های تبشیری می‌شوند و نتیجه می‌گیرند که خود این گره‌خوردن تبشیر با فرهنگ غربی و قدرت‌های استعماری برای آنها مشکل‌ساز شده است.

بازخوانی و بازاندیشی تبشیر

روحیه ضد استعماری و ضد غربی در کشورهایی که به دنبال استقلال هستند آنان را به فکر فرومی‌برد که چاره‌اندیشی کنند؛ از این رو با بازخوانی و بازاندیشی در مسئله تبشیر یک استراتژی جدیدی را اتخاذ می‌کنند که منجر به شکل‌گیری یک جریانی تحت عنوان میسیولوژی می‌شود. این بازخوانی و نتیجه آن در ایالات متحده آمریکا بیشتر از جاهای دیگر شکل می‌گیرد.

دلیل آن این است که الهی‌دانان آمریکایی نسبت به الهی‌دانان مثلاً آلمانی عمل‌گراتر هستند و بیشتر دنبال نتیجه هستند، به این معنا که الهی‌دانان آلمانی با مباحث نظری در عالم ملکوت سیر می‌کنند؛ اما آمریکایی‌ها عمل‌گراتر هستند، برای همین در بحث میسیولوژی که می‌توانیم آن را به علم تبشیر ترجمه کنیم، به این نتیجه می‌رسند که سرفصل، رشته دانشگاهی و دپارتمان برای آن تعریف کنند، کتاب‌ها و نشریات بسیار زیاد با زیرشاخه‌های متعدد که یکی از آنها تاریخ است، منتشر کنند.

آنان از ظرفیت علوم اجتماعی یعنی از علم جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، تجارت و مانند آن نیز استفاده می‌کنند تا تبشیرشان برش داشته و کارآمد باشد. اول



به تاریخ می‌پردازند، دوم سراغ علوم اجتماعی می‌روند و از ظرفیت سایر علوم استفاده می‌کنند، به خاطر همین مهم‌ترین شخصیت‌هایی که میسیولوژیست یعنی عالمان علم تبشیر هستند، تخصص خیلی از آنها مردم‌شناسی است.

نکته سوم در این بازخوانی این است که آنان تحولات در الهیات خاص خودشان ایجاد کنند و در ذیل این الهیات نوبت به استراتژی‌ها می‌رسد؛ یعنی اگر در گذشته فرهنگ را تغییر می‌دادند حالا که برخی جوامع در برابر آن فرهنگ غربی مقاومت می‌کنند، به این نتیجه می‌رسند که کاری به فرهنگ آنها نداشته باشند و با حفظ فرهنگ خود آنها کار تبشیر را انجام دهند.

آنان برای این کار به زمینه‌سازی پرداخته‌اند. قبل از اینکه این زمینه‌سازی در تبشیر استفاده شود، در الهیات به کار گرفته شده است؛ مثلاً در آمریکای لاتین صحبت بر سر این است که آن الهی‌دانان لیبرال که بخشی از آنها هم به خصوص آلمانی هستند، متمرکز بر مسئله تثلیث و الوهیت عیسی مسیح ﷺ هستند، درحالی‌که مردم در منطقه آمریکای لاتین به نان‌شب خودشان محتاج هستند و آن الهیاتی که در آسمان‌ها است دردی از مشکلات مردم را دوا نمی‌کند. الهیات باید روی زمین بیاید و زمینه‌سازی و به عبارت ساده بومی‌سازی شود و ناظر به مردم و زمین باشد تا دردی از مردم را دوا کند.

بر اساس همین تغییری که در دوره مدرن در الهیات رخ داده است، در بحث‌های تبشیری هم اتفاق افتاده است و تبشیر را بافت‌مندسازی نموده‌اند تا بتوانند با حفظ فرهنگ محیط هدف، کار خودشان را انجام بدهند.

مثلاً در دوره قاجار و حتی در دوره پهلوی در ایران که جمعیت غالب جمعیت مسلمانان است؛ ولی درعین حال اجازه رسمی فعالیت تبشیری وجود داشته است؛ اما بعد از انقلاب اسلامی اجازه فعالیت رسمی ندارند. به‌رحال موانعی در برخی از کشورهای اسلامی برای آنها وجود دارد؛ مثلاً رسماً اجازه ساخت کلیسا ندارند و نیز در فضاهای علنی و چهره به چهره نمی‌توانند فعالیت کنند؛ البته فضای مجازی و ماهواره‌ای مسئله دیگری است که امروز زمینه مناسبی را برای تبشیر ایجاد کرده است.

به خاطر این معضل که بیشتر در جوامع اسلامی در برابر آنان قرار دارد، استراتژی جدید

را در پیش گرفته‌اند. یکی از این استراتژی‌ها «کاشت کلیسا» است. کاشت کلیسا همان چیزی است که امروزه ما به اسم کلیسای خانگی می‌شناسیم؛ یعنی حالا که اجازه ساختن کلیسا و اجازه فعالیت علنی ندارند، درواقع به صورت کلیساهای خانگی، کوچک و کلیساهای سلولی عمل کنند. صرف نظر از تبلیغ‌هایی که به صورت شبکه‌های ماهواره‌ای رخ می‌دهد، یکی از بهترین استراتژی‌های آنها کاشت کلیسای خانگی است.

کیفیت کاشت کلیسای خانگی در کتابی تحت عنوان « anyone anywhere anytime » بیان گردیده است. اسم کتاب این است: هرکسی، هر جایی، هر زمانی؛ یعنی مبشر باید از هر فرصت کوچکی استفاده کند، با هرکسی که برخورد کرد در هر جا و در هر زمانی باید با او ارتباط برقرار کند حتی اگر شده با یک سلام‌علیک و اینکه اهل کجاست و به این ترتیب ایجاد رفاقت کند. درواقع این روش آنها برای جذب دیگران برای ایجاد کلیسای خانگی و کاشت کلیسا می‌شود.

به مبشران مسیحی توصیه می‌شود که در آغاز فقط باید به ایجاد ارتباط و رفاقت بسنده شود و نباید از عقاید، کار و سایر امور فرهنگی و دینی طرف سؤال شود. در ابتدای رفاقت از طرح بحث‌های تبشیری اجتناب می‌شود و به مرور زمان، اعتماد طرف‌مقابل جلب گردیده و به خانه همدیگر رفت‌وآمد می‌کنند. برای استحکام ارتباط و رفاقت در امور مختلف داخل و بیرون منزل به کمک و همکاری هم پرداخته می‌شود. برای ایجاد ارتباط بیشتر حتی از ظرفیت قرآن کریم به عنوان پل استفاده می‌شود؛ به عنوان نمونه با یک جمع مسلمانی که عقیده محکم به باورهای دینی خود دارند، از طریق ایجاد سؤال وارد بحث می‌شوند؛ مثلاً می‌پرسند در قرآن کریم از کدام پیامبران نام برده شده است؟ طرف همه پیامبران را نام می‌برد تا می‌رسد به حضرت عیسی مسیح علیه السلام و با تعبیرهای همچون روح‌الله، کلمه‌الله و مانند آنها از خود مسلمان به استناد به ظاهر قرآن اقرار می‌گیرد که حضرت مسیح علیه السلام با سایر انبیا تفاوت دارد. با این پل‌زنی قرآنی می‌خواهند افرادی را به عنوان هسته‌ها و کلیساهای کوچک جذب کرده باشند. در کلیسای خانگی عدد و رقم مهم نیست با دو نفر و سه نفر کلیسای خانگی شکل می‌گیرد. هرکدام از مبشران افرادی را جمع می‌کنند. با حداقل آشنایی طرف را برجسته کرده و به او نقش رهبری می‌دهند و او را که



در دام خود قرار داده به سوی هدایت دیگران می‌گمارند؛ پس کاشت کلیسا یا کلیسای خانگی اولین استراتژی مبشران مسیحی است که نیازی به هیچ تشریفات و ساختمانی ندارد. پروتستان‌ها خیلی برای معماری کلیسا اهمیتی قائل نیستند، یک سالن ورزشی را می‌گیرند و یک علامت صلیب می‌زنند و کلیسا می‌شود؛ اما کلیساهای سنتی‌تر مثل کاتولیک‌ها، ارتدوکس‌ها و برخی فرقه‌های پروتستانی که اسقفی هستند همچنان ممکن است یک چهارچوبی را رعایت کنند؛ اما دیگر در کلیسای خانگی هیچ ترتیب و آدابی وجود ندارد و ممکن است در یک خانه و در یک اداره ایجاد شود و هیچ آیین خاصی هم ندارد و از تشریفات که در کلیسا انجام می‌شود و از نمادهایی که در کلیسا استفاده می‌شود، در کلیسای خانگی از آنها استفاده نمی‌شود.

در کلیساهای خانگی مهم‌ترین چیزی که از آن استفاده می‌کنند جذب افراد و شاگردسازی است؛ یعنی آنها برخی را آموزش می‌دهند و سپس خود آنها دوباره سرشاخه می‌شوند برای تشکیل کلیساهای دیگر و این مأموریت همین‌طور ادامه پیدا می‌کند. چیزی دیگری که در تبشیر و کلیساهای خانگی قابل توجه است «Insider movement» یعنی جنبش درونی است. این مسئله برای کسانی توصیه می‌شود که برای استفاده از کلیسا محدودیت دارند؛ زیرا کسی که در جوامع اسلامی مسیحی می‌شود مجازات سنگینی مثل حکم ارتداد دارد؛ بنابراین یک فرد تازه مسیحی از سوی جامعه، خانواده و دوستان خود در معرض تهدید و خطر قرار می‌گیرد. برای چنین افرادی توصیه شده باید تظاهر به دین قبلی خود نموده و عبادات و اعمالی را که قبلاً انجام می‌داده‌اند، انجام دهند تا ظاهر اسلامی‌شان حفظ شود حتی می‌توانند تمام رفتارهایی را که به آن انس داشته‌اند ادامه دهند؛ اما آنچه مهم است این است که در درون خود به حضرت مسیح ﷺ ایمان داشته باشند. برای این کار از اصطلاح جنبش درونی استفاده می‌کنند.

نتیجه این می‌شود که در تبشیر مدرن و پست‌مدرن، تفاوت آن با گذشته از جهات مختلفی است. می‌توان آن را چنین جمع‌بندی کرد که در گذشته تبشیر در یک فضای محدود اتفاق می‌افتاد؛ ولی امروزه دیگر مرز نمی‌شناسد. در گذشته مبشرین نوعاً مسیحیان معتقدی بودند که بر اساس آن اعتقاد دینی خودشان به‌خصوص در سِلک رُهبانی تبشیر

می‌کردند. مشکلی که امروزه روبرو هستیم این است که اکثر این مبشرانی که به‌خصوص در این شبکه‌های ماهواره‌ای حرف می‌زنند پیشینهٔ مسلمانی دارند و اینها به‌مراتب خطرناک‌تر هستند تا یک آدم مسیحی معتقد. مسیحی‌ای که تبشیر می‌کند باور دارد نجات منحصر در عیسی مسیح ﷺ است؛ اما اینها در قدم اول رو به تخریب، سخره و تضعیف می‌آورند. در گذشته اگر یک مسیحی مسلمان می‌شد یا یک مسلمان مسیحی می‌شد مطابق با دین خودش اسم خودش را تغییر می‌داد، ولی عمداً حالا یا برای اینکه می‌خواهند به رخ بکشند یا یک نوع دهن‌کجی باشد، اسم خود را تغییر نمی‌دهند و باهمان اسم اسلامی خود مسیحی بودنش را اعلام کرده و به تبشیر می‌پردازند.

نکته‌ای که در اینجا مهم است اینکه مبشرینی که سابقهٔ اسلامی دارند از تخریب استفاده می‌کنند. ممکن است کسانی که در جامعهٔ اسلامی فعالیت‌های تبشیری می‌کنند چندان موفق نشوند کسی را به طرف خودشان بکشانند و جذب خود کنند؛ اما با تضعیف باورهای دینی، تمسخر و تحقیر آنها به هدفشان می‌رسند. ممکن است قسمتی از این تضعیف‌ها و تحقیرها مربوط به شبهاتی باشد در رابطه با احکام شریعت، احکام فقهی، مباحثی که مربوط به زنان می‌شود، از پوشش گرفته تا مباحثی مثل دیه و ارث و مانند آنها مطرح می‌گردد. امروزه این شبهات یک مقدار رنگ و بوی حقوق بشری گرفته‌اند. امروزه از مهم‌ترین چالش‌های و معضلاتی که برای ما پیش می‌آورد، آن هم به شکل یک تبلیغات رسانه‌ای سنگین وجود همین شبهات است؛ مثلاً به‌عنوان نمونه در مسئلهٔ اغتشاشات اخیر وقتی کسی به خاطر جنایتی که مرتکب شده اعدام می‌شود آنها دست پیش می‌گیرند، این درواقع همان فعالیت رسانه‌ای است که به اسم حقوق بشر چالش ایجاد می‌کنند.

امروزه مباحث تبشیری گاهی هم با مباحث سیاسی گره‌خورده است؛ یعنی جریان‌های پشت‌پرده فعالیت‌های تبشیری دارند؛ مثلاً اوآنجلیکال‌های آمریکا یا جریان مسیحیت صهیونیستی به این امر می‌پردازند که درواقع صرفاً دینی نیست و در قالب سیاست‌های کلان اسلام هراسی، ایران هراسی و مانند آنها به تبشیر می‌پردازند.